

# هنر متعهد آری،

## ابتدال هرگز

(۵)

حجة الاسلام محمّد تقی رهبر

این روزها سخن در باره آهنگها و موسیقی ها و برنامه های هنری چه در صدا و سیما و چه در جشنواره ها و تئاترها بسیار است.

### اشکال و اعتراض

گروهی بر این عقیده اند که برخی از آهنگها و برنامه های سمعی و بصری، هنری، خیالی از اشکال شرعی نیست و بدآموزی هائی را بدنبال دارد. بر اساس چنین برداشتی است که می بینیم در این باره تذکراتی در خطبه های نماز جمعه و غیر آن مکرر شنیده می شود. جمعه ۶۸/۱۲/۴ بود که امام جمعه قم و ریاست مجلس خبرگان آیه الله مشکینی به رادیو و تلویزیون تذکراتی دادند. ایشان با اشاره به ناراضی متدینین از این رسانه های همگانی فرمودند:

«یک زمان بود مؤمنین و متدینین ما از رادیو و تلویزیون که یک نعمت الهی است محروم بودند، زیرا تمام برنامه ها در اختیار هوسران ها و شهوت پرستها بود، اما امروز دیگر مؤمنین را از صحنه خارج نکنید، در کارهایتان دقتی کنید تا رضایت ملت را تحصیل نمایند. من از مسئولینی که رادیو و تلویزیون زیر نظرشان اداره می شود می خواهم تمام این مسائل را حل کنید، اگر برنامه ها حلال و بدون اشکال است به مردم بگوئید تا روشن شود و اگر اشکال دارد با تکرار آن متدینین را ناراضی و نگران نسازید».

در برخی بیانیه های دانشجویی که بمنظور مقابله با فرهنگ مبتذل غربی و بدحجابی منتشر شد آمده بود:

«ضمن تشکر از زحمات مسئولین و کارکنان صدا و سیما در ارائه بعضی برنامه های سازنده، اعتراض خود را به آن دسته از برنامه های این سازمان که جوانان ما را به اموری می خواند که درد کاذب مرفهین بی درد است و سعی در ترویج تجمل گرایی دارد، اعلام داشته و از مسئولین محترم آن سازمان درخواست می نمایم ضمن تجدیدنظر در بعضی برنامه ها، این نهاد را طبق فرمایشات حضرت امام «قدس سره» به دانشگاهی جهت تبلیغ و ترویج افکار روشن گرانه اسلام محمّدی و معرفی الگوهای زندگی سازنده تبدیل نمایند».

در یک جمع بندی می توان گفت: کسانی که نسبت به برنامه های هنری چه در رسانه ها و چه در تالارها و جشنواره ها معترض اند و برخی ترانه ها و آهنگها و نمایش ها و فیلمها را خلاف شرع و اخلاق می دانند و از شنیدن و دیدن آن خودداری می کنند و آنرا با مبانی مذهبی و روحیه انقلابی منافی می دانند، کم نیستند، در بین علماء، حوزه ها، خانواده ها و بسیجی ها و سایر متدینین که اینها اعتراض خود را پنهان نمی دارند اما می گویند صدایمان به جایی نمی رسد و روند این جریان را مع الاسف روزافزون و در حال گسترش تلقی می کنند... این یک طرف قضیه است.

### در دیدگاه دیگر

از سوی دیگر: کسانی هستند که چندان حساسیت نشان نمی دهند و می گویند: چون این برنامه ها در نظام و فضای کشور انقلابی اسلامی تهیه و رسانه های رسمی آنرا پخش می کنند، اگر اشکال شرعی داشت با وجود اینکه فقها، علما و مسئولان متشرع، در سطوح مختلف مدیریت کشور قرار دارند؛ اینها اجازه نمی دادند چیزی که خلاف شرع و اخلاق و ارزشهای اسلامی و انقلابی است، اینگونه در سطح گسترده رشد کند، و اگر اشکالاتی باشد، آنقدر در اولویت نیست که وقت صرف آن کنیم و مسائل مهمتری فعلاً جلوی چشم ماست که باید به حل آنها پرداخت، این هم دیدگاهی دیگر.

### دیدگاه مسئولین رسانه ها

در این میان نظریه مسئولین صدا و سیما نیز مطرح است؛ آنها

می گویند: آنچه در رسانه ها پخش می شود چیزی نیست که خلاف شرع و در جهت مخالف انقلاب و فضای فکری مردم مسلمان و انقلابی باشد. آنها می گویند: حضرت امام (رضوان الله علیه) این برنامه ها را می دیدند و اگر خلاف شرع بود ایشان سکوت نمی کردند و بنابراین نتیجه می گیرند که آنچه قبلاً تهیه شده و یا تهیه می شود، مخالف موازین شرعی و دیدگاههای فقهی نبوده و نیست و اگر مواردی را فقها به صراحت خلاف شرع اعلام کنند ما از پخش آن خودداری خواهیم کرد... در پاره ای مصاحبه ها از سوی غیرمسئولین صدا و سیما نیز مشابه این بیان مشاهده شده است.

### ضرورت حل مشکل فقهی و تطبیقی مسأله

اینها نمونه هائی است از دیدگاههای مختلف در مسأله. و ما در این مجال بر آن نیستیم مسأله را از دیدگاه فقهی مطرح سازیم چرا که بررسی تخصصی مسأله غنا و موسیقی و تطبیق آن با موارد و همچنین فیلمها و نمایشها در صلاحیت صاحب نظران است. بنابراین، آنچه از دیدگاههای فقهی حضرت امام (قدس سره) در مسأله غنا و حرمت آن استنباط می گردید، می توان گفت: «غنا و موسیقی حرام آن جزی است که مطرب و منتاسب با مجالس لهو و لعب باشد» با توجه به این تعریف که برای مقلدین معظم له همچنان به قوت خود باقی است، می توان موارد موسیقی هائی را که پخش می شود با تطبیق و تعیین مصادیق که تشخیص عرف در آن معیار است، تفکیک کرد.

آیا واقعاً بر تمام آنچه امروزه از رسانه ها شنیده می شود می توان گفت تعریف غنا صدق نمی کند؟ آیا برخی از اینها همانها نیستند که منتاسب با مجالس لهو و لعب می باشد؟ و اگر ادعا شود که این موسیقیها هیچکدام باب مجالس لهو و لعب نیست، آیا این دعوی گزارف نیست؟! و اگر این دعوی قابل قبول نیست پس آن دسته از آهنگها که طرب انگیز و منتاسب با مجالس لهو و لعب می باشد، مصداق حرام خواهد بود که پخش و استماع آن اشکال شرعی دارد، و باید این موارد مشخص شود و پیشنهاد ما این است که: هیشکی زیر نظر فقها و علمای صاحب نظر بر این برنامه ها نظارت دقیق داشته باشند و موارد حلال و حرام را تفکیک نمایند.

از ذکر این نکته نیز غفلت نکنیم: اذعای اینکه امام فقیه (رضوان الله علیه) واقعاً تمام برنامه های بیست و چهار ساعته این رسانه ها را می دیدند و رد یا اعضا می فرمودند و این برای ما سند برنامه های دوران حیات و دوران بعد از رحلت ایشان باشد، این نیز دعوی غیر قابل قبولی است. ولی ایشان قسمتهائی را

می دیدند و می شنیدند و بعضاً نهی می فرمودند و بعضاً نهی اشکال می نمودند. که علی ای حال نباید هر آنچه در فضای هنر و موسیقی امروزه و بعد از آن تهیه و پخش می شود یا این استدلال و خدای نخواستہ بحساب حضرت امام (قدس الله روحه) گذاشت و بطور مطلق لباس مشروعیت بپوشاند. که قطعاً روح مطهر ایشان از این تفسیر راضی نیست و این برخلاف امانت شرعی و ورهای خداوند است و دشمنان و فرصت طلبان نیز از این سوزها سوه استفاده خواهند کرد و جهت انحراقی خواهند

### نقشهای مثبت و منفی هنر و موسیقی

اما تفسیر ما از روندی که در مسأله هنر به چشم می خورد: همانگونه که قبلاً اشاره شد بحث فقهی مسأله و تطبیق و تعیین مصادیق را به عهده فقها و متخصصین مسأله نهاده و به بُعد دیگر موضوع می پردازیم، این بُعد که آنرا عنوان فرهنگ می دهیم، به نظر ما کم اهمیت تر از اصل مسأله نیست. توضیح آنکه: هنر بمعنی صحیح کلمه آنگاه نقش اساسی خود را ایفا می کند که در جهت ترویج و اشاعه ارزشها و اوج دهنده روانها بسوی فضائل و پللی بسوی ساختار شخصیت و تربیت و ارتقاء هویت دینی انسانها باشد. هنر در بُعد تبلیغ نقش بسیار مؤثر دارد که در بجای خود شایان توجه است. نه تنها امروزه از هنر در نشر فرهنگها و روشها و بینشها - اعم از بد یا خوب - استفاده بسیار گسترده می شود، که در همه اعصار، هنر به نوعی در استخدام افکار و ایده ها قرار می گرفته و از هر وسیله تبلیغی دیگر نقش فعالتری را بازی می کرده است. ما نیز معتقدیم در ترویج فکر و فرهنگ الهی خویش ناگزیریم بدون چون و چرا از شیوه های صحیح هنری استفاده کنیم و در قالب شعر، آهنگ، داستان، نمایش، فیلم و امثال آن در چهار چوبه شرع و بدور از غنای محرم و بدآموزی های دیگر ارزشهای والای اسلامی و انقلابی و عبارات دیگر هنرهای واقعی انسان را بازگو کنیم چرا که طبیعت و خوبی انسانی در نوعیت خود با این شیوه، انس بیشتری دارد؛ بویژه در تبلیغ و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان که اینجا نقش هنر سحرآسا است... تا اینجا جای اعتراض نیست...

### اسارت هنر در چنگال بی اعتقادی

اما آنچه خطرناک است، رو آوردن به هنر اعم از موسیقی و غیره برای هنر و سرگرمیهای محذّر و خواب کننده و بی تفاوتی و بوجی و بی خیالی است. یعنی هنری که در استخدام احساسات صرف نفسانی

درآید و اصل و هدف و مقصد در آن گم شود؛ هنری که روی همه هنرها را بپوشاند و معنویات را بی رنگ سازد؛ هنری که در چنگال بی اعتقادی اسیر گردد و زمینه انحراف اخلاقی را فراهم سازد؛ هنری که محفل انسانهای خوش گذران و لذت گرا را گرم کند؛ هنری که مشتکی مردان و زنان را که بفضائل و ارزشها بی تفاوتند، در محافل شادبهای کاذب جمع آوری نموده و کانونهای آنها را با آهنگ و ضرب و نک نوازی و جمع نوازی و نغمه های (فعال) دسته جمعی خانمها و سوت ها و کف زدنها به سرگرمی و بی خیالیشان بیش از پیش تشویق کند و ارزشها را تحت الشعاع قرار دهد و ارزش آفرین ها را دلسرد نماید.

حال با توجه باینکه بحث ما صرفاً در صداوسیما متمرکز نیست و با اعتقاد به اینکه اداره این سازمان بسیار مهم از حیثیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است و با اعتراف به اینکه صداوسیما در طول انقلاب و در تبلیغ ارزشهای فرهنگی و انقلابی و مسأله جنگ و هنرهای سودمند، نقش مثبت و موثر داشته و توقعات گوناگونی در سطوح مختلف جامعه وجود دارد که مهمتر از همه انتظارات مردم مسلمان و فداکار این انقلاب است که باید پاسخ داده شود؛ آری با اعتراف به تمام این نکته ها و بنا حق دادن به معترضین، سرانجام چنین بنظر می رسد که سرنوشت هنر در جامعه ما در جهت نامطلوبی حرکت می کند گرچه گامهای نخستین آن چندان ملموس نیست. اما با دقت و تأمل می توان این ادعا را مفرون به حقیقت دانست.

شاید بسیاری از دست اندرکاران امور هنری در سطوح مسئولیتها غافل از این جریان و احتمالاً توطئه ها باشند ولی با دقت آنها و تشویق و تأیید و برنامه ریزی حواشی آنها این جریان راه خود را می پیماید...

### هنر در خدمت رفاه طلبان

دلیل عینی بر این دعوی سنخ مشتریانی است که در جشنواره ها و تالارها حضور یافته و برای تماشا شرکت دارند. اغلب اینان که فیلمپایشان را از صداوسیما حتی در دهه فجر مشاهده کردیم، همان خانمهای بدحجاب و رنگ آمیزی شده و جوانان سوت زن و افراد بی خیالی هستند که در محافل دینی و نماز جمعه ها و راهپیمائیها و صحنه های انقلاب و بسیج و جبهه و غیره از آنها ردپایی دیده نمی شود در خبرنگارها آمده بود که در هوای سرد و یخبندان زمستان همین امسال مردان و زنانی بودند که ساعتها در

صف ایستادند برای اینکه بتوانند برات و بلیط ورود به تالار وحدت (رودکی) را تهیه و شرکت کنند! و بلیطهای ورود به این تالار یا فلان سینما بصورت بازار سیاه دست به دست رد و بدل می شده است. اینها کیانند که این گونه مشتاقانه برای شرکت در این مراکز سرودست می شکنند و نقل این مجالس هستند؟! ...

آن استقبال کم نظیری که با آب و رنگ تبلیغاتی از آن دم می زید از سوی چه کسانی است: زجر کشیدگان، یا مرفهین بی درد؟

از زلفها و لیباسها و آرایشهای غلیظشان می توان شناخت، و تازه آن برنامه ها که به اجرا در می آمد چه بود؟ و آنها که برنده مسابقه بهترین فیلمها بودند چه کسانی بودند؟ و عملکرد فعلی و گذشته شان چه بوده است؟

در این فیلمها، نمایشنامه ها، نمایشنامه نویسان، بازیگران و بقول شما آقایان «استادان» چه جلوه ای از فرهنگ اسلامی و انقلابی که این مردم مستضعف و فداکار بیای آن عزیزانشان را قربانی کردند به چشم می خورد؟ و بالاخره چنانچه را به کدام محتوا دادند؟! متأسفانه در خبرنگارها خواندیم که برخی از این فیلمها جدأ بی ارزش و مبتذل بوده و بازیگران و تماشاچیان به رقص و پایکوبی می پرداخته اند...

و این آقایان و خانمها که بازیگران این صحنه ها هستند و منافع هنگفتی از پول این مردم محروم را به صورت گوناگون به جیب می ریزند و جایزه هم از حقوق حقه این مردم می گیرند، میان شان با انقلاب و مردم چگونه است؟! ...

### بدآموزیهای غیر مستقیم

بدآموزی جنبی این گونه برنامه ها نیز به جدی است که مشکل بتوان حدس زد در خدمت انقلاب سیر می کند. وقتی آن نوجوان شیرازی در جمع هزاران کودک نوجوان و زن و مرد نغمه سر می دهد و همزمان با حرکات پا و دست و انگشتانش نقش یک آرتیست را بازی می کند و آنگاه با کف زدنهای مستد حاضرین تشویق می شود و لابد جایزه هم می گیرد و صحنه های آن در صداوسیما در دهه فجر به نمایش گذاشته می شود؛ فکر کنید روی اندیشه و روحیه کودک کان و نوجوانان چه اثری برجای می نهد؟ کودک تماشاگر تازه می فهمد ارزش و تشویق برای چه و از آن کیست؟ هنر پیشگی و آوازه خوانی و نوازندگی و به اصطلاح بازسازی شده اش «موسیقی اصیل ایرانی»! نه خلاقیت هنر انقلابی و دانش و فضیلت و اخلاقی و سازندگی، ...

وقتی هنردوستان، عنوان «استاد»! را به تارزن و کمانچه نواز و نغمه های طرب انگیزی دهند و صدای کمانچه اش را پرواز دهنده روح بر عالمی دیگر! عنوان می دهند، جامعه اینچنین برداشت می کند که این استادان افتخاری با نوازش کمانچه تا سرحد استاد دانشگاه، استاد تحقیق، استاد قلم و... ارتقا می یابند! و فرداست که کلاسهای آموزش گیتار و کمانچه و تار داتر شود (که شده) و جوانان پسر و دختر بدنبال اطلاعیه ها ابزار لاهو و لوب را زیر بغل می گذارند و اگر تاکنون مخفی می کردند، این بار آشکارا و بدون دغدغه به راه می افتند و آلات لاهو و لوب هم بازار سیاه پیدا می کند و موسیقی عصر طاعوت و موسیقی غربی در مرکز شهر به بازار فروش عرضه می گردد که نمونه اش را می بینیم. این همان ترویج ابتدال است که بدست هنر دوستان به اجرا درمی آید.

هنگامی که جوانان ترکمن را با آلات ضرب و لاهو که بدوش می کشند از منطقه شان به تهران می آورید تا برنامه اجرا کنند و در صدا و سیما ارائه دهند، مفهوم آن ترویج همان هنری است که مفهومی جز هنر سرگرمی ندارد و دیگر جوانان منطقه را به آموزش تار و طنبور تشویق می کند.

موارد به رخ کشیدن گروههای هنری آنچنانی در داخل و حتی اخیراً در خارج بدینگونه که ذکر شد بسیار است.

نگرشی کلی بر روند رویه گسترش هنر و موسیقی و نتایج و جشنواره ها و تشویق ها و جایزه ها، انسان تیزبین را به این اندیشه وامی دارد که شاید ارزشها و اخلاقیات با دیگر سوی می رود و هنر از روح اسلام و خدمت انقلاب خارج می شود.

### این همه صرف بودجه چرا؟...

الآن بودجه هائی که برای تهیه برخی فیلمهای نه چندان مفید و تهیه آرشو لباس جور و واجور، از عهد قدیم و لباسهای زری بافت سلاطین پوسیده عهد بوق و تاج و تخت و خدم و حشم و ملکه های هفت رنگ و دکورهای متنوع با آذین های نوظهور که محتوای تعبیه شده در این فیلمها و نمایش ها، ارزش این همه ساز و برگ را ندارد و بلکه با بدآموزی و خلاف اخلاق نیز همراه است به حدی است که از دهها و صدها میلیون می گذرد، آنهم برای کشوری که در پاره ای از نقاط محروم آن مت... ن، فقر فرهنگی و مادی و معنوی موروث روز... عرصه را برای نفوذ و تهاویها و ساندهای قاچاق و دلالان فساد و سوداگران مرگ و دشمنان دین و میهن اسلامی فراهم می سازد و فردای آن معلوم نیست چه خواهد

شد و ما حرکتی در حد انتظار نه برای تبلیغات دینی و نه در سایر زمینه ها از خود نشان نداده ایم. قطعاً اگر بخشی از این بودجه ها که به پای هنر! قربانی می شود را به منطقه هائی از این قبیل می بردیم، کار ما ارزش هنری و انقلابی بیشتری داشت تا این همه اسراف و افراط در فیلم و دکور و نمایش فلان شاه و ملکه غرق تجمل با آن مناظر فاسد در دیدگاه عموم که هیچ محتوایی ندارد جز سرگرمی و بقول شما شادی آفرین آن هم برای قشرهای بی درد.

برادران مسئول در کارهای هنری! مردم ما انقلاب را با این نوع هنرنمایی ها به ثمر نرسانند که ادامه اش با این ابزارها میسر باشد. ملل جهان هنر مردم فداکار ایران را در هنرهائی دیگر که آگاهی، ستم ستیزی، دفاع از ارزشهای الهی تا سرحد جان و حمایت از مستضعفان و صبر و جهاد شاخصه آن بود، می شناختند نه نغمه های گل و بلبل که در گذشته بیشتر و بالاتر آن در این مرز و بوم جاری و ساری بود؛ بیائیم آن هنرهای غرور آفرین را زنده نگه داریم و در قالب هنری مشروع همراه با احساسات توده های انقلابی به نسلی تفهیم نمائیم و در یک سخن: شعار ما هنر برای ارزشها و اهداف انقلاب باشد نه هنر برای هنر و با هنر در خدمت ابتدال و بی دردی.

بیم و هراس دلسوزان این انقلاب و مؤمنان غیور این است که تدریجاً و نه چندان دور، آن ارزشها که استخوان بندی انقلاب بود به مسح کشیده شود و بی رنگ گردد و بی تفاوتی و ابتدال و بی خیالی و پلاس شدن در هنرکده ها و در کنار آن سایر عوامل چون مواد مخدر، مصرف گرایی، بدحجابی و مذهب پرستی و فساد اخلاقی خرنده و به کمک باندهای فساد و عوامل خود فروخته و هزاران دام و تیرنگ دیگر که دشمن در آستین دارد یا دست خودمان و رسانه ها و جشنواره ها و با صرف بودجه های بیت المال و قوت لایموت توده های محروم ما را به جانی ببرد و به منجلاسی بکشاند که با بهای بسیار گران از آن نجات یافته بودیم و آنگاه در یک تحول چند ساله نزدیک که بر این نسل می گذرد به ثمر رسیدن بدر خیبت ابتدال فرهنگی را که تا اعماق جان فرزند انمان نفوذ کرده نظاره کنیم و تجمع پسر و دخترها در این برنامه های هنری بالاخره سر از جشن فرهنگ و هنر عصر طاعوت در آورد که رسوایش را از یاد نبرده ایم. پس باید بهوش باشیم به دام ابتدال و بذله سرایان نیفتیم و با نغمه ها و جلوه های گل و بلبل به خواب بی خیالی و خرگوشی نرویم که انحطاط یک ملت با خواب و خیال و تخدیر و لذت آغاز می شود و صدای پای فتنه در گامهای نخستین به گوش نمی رسد اقا روزی از فصاحت و رسوائی سربرون می کند.